

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی

احکام صادره

کلاسه پرونده: ۱۰۴۹/۱۱

حکم شماره: ۱۶۱ - ۱۳۸۶/۵/۹

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رئیس، نورالدین صادقی و رسول فرهودی اعضای دادگاه.

موضوع پرونده: اعتراض آقای..... نسبت به دادنامه صادره از شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری.

خلاصه جریان پرونده: حسب محتویات پرونده آقای..... در مقام شکایت از آقای..... وکیل دادگستری طی شکواییه تقدیمی به عنوان دادرای کانون وکلای دادگستری مرکز درخواست رسیدگی و پیگیری را نموده بدین شرح که مدعی گردیده با شرکت کارفرما به نام شرکت..... اختلاف مالی و کاری ایجاد که شرکت مزبور می‌بایست بدهی خود را به اینجانب پرداخت می‌نمود که با دخالت آقای..... وکیل شرکت مزبور اختلاف حادث شده به سازش خاتمه داده شده و بنابراین شرکای شرکت مزبور مطالبات اینجانب را پرداخت نمایند و چون آقای..... متعهد پرداخت بدهی شرکت مزبور باینجانب گردید و باعتبار حرفه و شغل وکالتی وی موضوع را سازش و وکالت که به نفع اینجانب بوده و به نفع شرکت مزبور ابطال نمودم و لکن پس از این اقدام نامبرده نسبت به تعهد خود عمل ننمود و کراراً به دفتر کاری وی مراجعه نمود ولی نتیجه‌ای حاصل نگردید و با ارایه فتوکی سازشنامه و تعهد وکیل مزبور تنظیمی مورخه ۶۳/۶/۲۴ و فتوکی وکالتنامه

شماره ۱۴۵۴۷ - ۸۳/۴/۷ درخواست و اقدام را نموده است. دادسرای کانون پس از اقدامات معمول قانونی بموجب کیفرخواست صادره تقاضای تعقیب و کیل مشتکی عنه را نموده که شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز با دعوت از طرفین نهایتاً بموجب دادنامه صادره آقای..... را مستنداً به بند یک ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۵۱ قانون وکالت به شش ماه محرومیت از شغل وکالت محکوم نموده رأی صادره به تاریخ ۸۵/۵/۲۳ به محکوم علیه ابلاغ که نامبرده در مقام اعتراض طی لایحه‌ای که بشماره ۵۱۸۹۰ - ۸۵/۶/۱ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست رسیدگی و اقدام به نفع خویش را نموده است کانون وکلای دادگستری مرکز در پاسخ به اعتراض آقای..... به شرح لایحه شماره ۱۲۶/۸۵/۴۴ ج مورخه ۸۵/۸/۱ درخواست ابرام رأی معترض عنه را از محضر دادگاه درخواست نموده و نسبت به ارسال پرونده به دادگاه عالی انتظامی قضات اقدام که پس از وصول به کلاسه ۱۰۴۹/۱۱ ثبت شعبه اول دادگاه انتظامی قضات گردیده و تحت نظر می‌باشد.

هیأت شعبه به تاریخ فوق تشکیل پس از قرائت گزارش پرونده مشاوره نموده و بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

نظر به اینکه دلایلی که موجب گسیختن دادنامه معترض عنه بشماره ۱۲۶/۸۵ - ۸۵/۳/۵ صادره از شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز ابراز و اقامه نگردیده است و لکن با توجه به محتویات پرونده دادگاه معترض را سزاوار تخفیف در مجازات دانسته و با اختیارات حاصله از ماده ۸۳ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری محکومیت آقای..... را به سه ماه محرومیت از شغل وکالت تقلیل و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

کلاس پرونده: ۲۳۹/۸۵

دادنامه شماره: ۴۳۳

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

موضوع رسیدگی: اعاده دادرسی نسبت به رأی شماره ۱۸۵ - ۸۵/۶/۲۹ شعبه اول

دادگاه عالی انتظامی قضات

مرجع رسیدگی: شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان علی شاهرخی رئیس، احمد مهرعلی و احمد کریم‌زاده

مستشاران

گردشکار: آقای..... علیه آقای..... وکیل دادگستری در دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری شکایت نموده و اعلام داشته است که آقای..... را مطابق قرارداد تنظیم شده به عنوان وکیل خود در پرونده مطروحه در شعبه ۵۰۴ دادگاه عمومی تهران انتخاب و مبلغ حق‌الوکاله پانصد میلیون ریال تعیین گردید که طی یک فقره چک این مبلغ را تحویل وکیل داده که نتیجه‌ای نگرفته ضمن اینکه مبلغ دیگری هم از وی اخذ نموده از جمله یک دستگاه اتومبیل زانتیا ولی نتوانسته است کاری انجام دهد.

آقای..... ادعای شاکي را در مورد اخذ وجوهی غیر از چک مذکور تکذیب کرده و دادرسی مرقوم از شهود معرفی شده توسط شاکي از جمله آقای..... وکیل دادگستری تحقیق نموده است که آقای..... گواهی داده است به عنوان حکم مرضی‌الطرفین قبول حکمیت نمود محتوای کلام شاکي پرداخت مبلغ بیست و پنج میلیون تومان وجه نقد به آقای..... بود و نحوه پرداخت هم مقداری نقد و مابقی طی فروش اتومبیل زانتیا اعلام گردید. آقای..... منکر موضوع شده و با نشان دادن یک فقره چک اظهار داشته که بابت حق‌الوکاله این چک را به من داده است و دو فقره رأی را نشان داد و گفت اگر چیزی هم گرفته بابت آرایي است که برای ایشان گرفته‌ام. ظاهراً طبق اظهارات همراه شاکي آقای وکیل حاضر شده بود مبلغ پنج میلیون تومان به شاکي بدهد و موضوع خاتمه یابد ولی شاکي تمامی وجه پرداختی را مطالبه می‌کرد که من برای پایان دادن به دعوی و مصالحه بین طرفین براساس اظهارات آنها عنوان نمودم که وکیل مزبور مبلغ هفت میلیون تومان به شاکي بدهد و قضیه فیصله یابد که ظاهراً وکیل محترم با سکوت خود پرداخت این مبلغ

را قبول نموده و مجدداً به علت فحاشی و سروصدا عذر ایشان را خواسته و به بیرون دفتر هدایتشان نمودم.

سایر گواهان معرفی شده از سوی شاکی اجمالاً ادعای وی را درخصوص زانتیا تأیید نموده‌اند که مشروح اظهارات آنان در پرونده کانون موجود است.

آقای دادیار انتظامی با توجه به اظهارات شهود اظهار نظر نموده‌اند که قدر متیقن این است که وکیل شاکی شخصی به نام..... را به شاکی معرفی و وی نیز ماشین زانتیای قولنامه‌ای خود را به عنوان حق‌الوکاله به نام شخص معرفی شده انتقال داده است. و اظهارات آقای.... مؤید بحث ماشین زانتیا و جلسه مشترک دایر بر حل و فصل اختلاف مالی طرفین در ارتباط با این ماشین می‌باشد اما مشتکی عنه صرفاً به تکذیب بلا دلیل موارد فوق پرداخته است علی‌ایحال با توجه به جمیع جهات اعم از دلایل و قرائن و امارات موجود در پرونده و شهادت شهود یا مطلعین مبنی بر دریافت ماشین زانتیا توسط مشتکی عنه از شاکی به عنوان حق‌الوکاله برخلاف قرارداد فی‌مابین، شکایت شاکی در این خصوص مقرون به صحت بوده و وقوع تخلف انتظامی مستنداً به بند ۴ ماده ۷۹ آیین‌نامه قانون استقلال وکلا محرز بنظر می‌رسد...

معاون دادرسی مذکور با نظریه فوق موافقت نموده و کیفرخواست به همین مبنا صادر گردیده است و شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلا بموجب دادنامه شماره ۱۲۰۷ - ۸۴/۹/۲۹ وکیل یاد شده را با انطباق بر بندهای ۱ و ۴ ماده ۸۰ آیین‌نامه مرقوم به تنزل درجه وکالت (از وکیل پایه یک دادگستری به وکیل پایه ۲ دادگستری) محکوم نموده است.

آقای..... از رأی مرقوم بدادگاه عالی انتظامی قضات اعتراض و شعبه اول دادگاه عالی انتظامی چنین رأی داده است: با توجه به محتویات پرونده بر تشخیص دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز از حیث احراز وقوع تخلف ایراد و اشکالی وارد نیست اما با عنایت به اینکه نظر دادگاه اعمال مجازات درجه ۴ بوده و درجه ۴ قانون وکالت (ماده ۵۱) که معمول به می‌باشد انفع به حال آقای..... وکیل دادگستری است لذا این دادگاه با رفع اثر از مجازات تنزل درجه وی را به ممنوعیت سه ماه از وکالت دادگستری محکوم می‌نماید.

آقای..... نسبت به رأی صادره از شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست اعاده دادرسی کرده و هیئت تجدیدنظر انتظامی قضات در مقام رسیدگی به این درخواست مبادرت به صدور دادنامه شماره ۹۰۵ - ۸۵/۹/۴ نموده و اینگونه رأی داده است: مفاد اظهارنظر آقای دادیار و کیفرخواست دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز علیه آقای..... حکایت از این دارد که وکیل مشتکی عنه علاوه بر قرارداد حق‌الوکاله، یک دستگاه زانتیا نیز از موکل خود آقای..... دریافت کرده است و حال آنکه نامبرده نزد مدیر دفتر دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز و دو نفر دیگر اقرار کرده است که آقای..... در فروش اتومبیل زانتیا هیچ دخالتی نداشته و شخصاً آن را فروخته و به حساب سپرده دادگستری واریز نموده ولی تصور می‌کرده این پول را به حساب وکیل ریخته است و وکیل مشتکی عنه تصویر فیش واریز مبلغ بیست و پنج میلیون تومان را ضمیمه تقاضای خود نموده است و از اظهارات آقای..... هم که به عنوان داور در موضوع دخالت داشته و بیان کرده آقای..... دریافت مبلغ ۶/۵ میلیون تومان از آقای..... را پذیرفته است بنظر می‌رسد تشخیص آقای دادیار انتظامی کانون وکلای مبنی بر اینکه آقای... یک دستگاه زانتیا علاوه بر قرارداد از موکلش گرفته منطبق با واقع نباشد و چون شاکی انتظامی نیز در این مرحله از شکایت خود صرف‌نظر کرده و تقاضای مختومه نمودن پرونده را نموده است با اعلام اینکه تقاضای متقاضی با بندهای ۵ و ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری منطبق است با قبول تقاضا و تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه عالی انتظامی قضات محول می‌گردد.

با ارجاع پرونده به شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات اینک این شعبه به ترتیب فوق تشکیل است و پس از قرائت گزارش امر و بررسی اوراق پرونده مشاوره نموده و به شرح آتی رأی صادر می‌نماید:

رأی دادگاه

با عنایت به مندرجات اوراق پرونده ایراد و اشکالی بر رأی صادره از شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز از حیث احراز تخلف آقای..... وکیل

دادگستری ملاحظه و مشاهده نمی‌گردد النهایه مجازات معینه در حکم موضوع اعاده دادرسی (دادنامه شماره ۱۸۵ - ۸۵/۶/۲۹ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات) مبنی بر ممنوعیت از وکالت به مدت سه ماه متناسب تشخیص و نامبرده را به همان مجازات محکوم می‌نماید.

کلاس پرونده: ۱۹۸/۸۵ و ۱۹۷

دادنامه شماره: ۱۹ و ۱۸ - ۱۳۸۶/۲/۹

مرجع رسیدگی: شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان کاظم صدیقی رئیس و عبدالرحیم سمسارزاده و اسمعیل پوریوسفی مستشاران.

موضوع رسیدگی: تقاضای اعاده دادرسی آقایان..... و..... وکلای دادگستری نسبت به رأی شماره ۳۳۹ و ۳۴۰ - ۸۴/۸/۲۳ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات
جریان امر: خانم..... همسر متهم زندانی به نام آقای..... در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۵ به کانون وکلای دادگستری مرکز اعلام داشته که درخصوص پرونده‌های اتهامی شوهرم به آقایان..... و..... وکالت دادم تا در پرونده‌های کلاس ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ مطروحه در شعبه ۴۵ دادگاه کرج و پرونده کلاس ۱۰۸۴/۲۴/۸۱ دادگاه کارکنان دولت از شوهرم دفاع نمایند و علی‌رغم اینکه قول دادند که رأی پرونده‌ها را به نحو احسن و به نفع متهم تمام کنند متأسفانه هیچ دفاع خاصی نکرده و در پرونده کلاس ۱۰۸۴/۲۴/۱۱ اصلاً دخالتی نکردند و در بقیه پرونده دلسوزانه عمل نکرده و اطلاعات و گفته دروغین به ما داده‌اند و طی مراحل طبق رسید مبلغ ۱۲۹۰۰۰۰۰۰ تومان از من دریافت و اقدام مثبتی در پرونده‌ها نمودند و حتی حق‌الزحمه باطل کردن تبر را شخصاً پرداخت کرده‌ام و حالا که تقاضای پولم را می‌کنم می‌گویند هر کاری از دست ساخته است انجام بده و فوق آن این است که دو سه ماه دفترمان را ببندند لذا تقاضا دارم به موضوع رسیدگی و

نسبت به استرداد پولم اقدام نمایند متعاقب آن آقای..... متهم زندانی و شوهر شاکیه در مقام تأیید شکوائیه همسرش اعلام داشت که وکلای نامبرده از طریق فریب‌کاری و تهدید همسرش مبالغی وجه از او دریافت نموده‌اند که از اتهامات وارده نسبت به من دفاع نمایند ولی متأسفانه هیچ‌گونه اقدامی در این خصوص معمول نداشته‌اند پس از ابلاغ متن شکواییه وکلای متشکی عنهما طی لوائح تسلیمی به کانون دفاع کرده‌اند که برابر قرارداد منعقد مبالغی به عنوان حق‌الوکاله دریافت داشته‌اند و حسب‌الوظیفه و بنابر موازین شرعی و قانونی دفاع لازمه را به عمل آورده و نهایت سعی و تلاش خود را در این خصوص نموده‌اند ولی مشخص است که صدور رأی محکومیت متهم و یا هرگونه تصمیم قضایی دیگر با دادگاه صادرکننده حکم است و وکیل حق دخالت ندارد و در مواردی نیز خانم..... از ورود ما به پرونده جلوگیری به عمل آورده است و ما هیچ شرطی درباره اخذ رأی براءت برای شوهر ایشان نکرده‌ایم و شکایت وی را نیز تکذیب می‌نماییم.

پرونده به یکی از دادیاران دادرسی انتظامی کانون وکلای ارجاع و مشارالیه پس از رسیدگی به شرح قرار مورخ ۸۴/۵/۲۸ قرار مجرمیت صادر و پس از موافقت آقای معاون دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز با قرار صادره توسط دادیار انتظامی کیفرخواست مورخ ۸۲/۶/۴ به شرح زیر صادر می‌شود:

«چون آقایان..... و..... وکلای دادگستری دارای سابقه انتظامی مشابه مرتکب تخلف از سوگند منطبق با بند ۳ ماده ۸۲ آیین‌نامه قانون استقلال ناظر به بند ۵ ماده ۷۶ آیین‌نامه قانون استقلال وکلای با لحاظ ماده ۸۴ آیین‌نامه مرقوم شده‌اند لذا به استناد مواد فوق تقاضای رسیدگی و صدور حکم مجازات مشارالیهما را دارد.»

کیفرخواست به شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز ارجاع و این شعبه در تاریخ ۸۲/۸/۱۹ در وقت فوق‌العاده به شرح زیر رأی صادر نموده است:

«درخصوص شکایت به طرفیت آقایان..... و..... شاکیان اظهار داشته‌اند متشکی عنهما جمعاً دوازده میلیون و نهصد هزار تومان از آنها گرفته‌اند تا از اتهام آقای..... در پرونده‌های ۱۶۵/۴۵/۸۰ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و پرونده ۱۴۰۹ دادگاه ویژه کارکنان دولت و پرونده ۱۰۸۴/۲۴/۸۱ شعبه ۲۴ دادگاه عمومی کرج دفاع نمایند در فتوکپی قرارداد

حق‌الوکاله که ضمیمه پرونده است تصریح شده آقایان وکلا موظف و مکلف گردیدند به نحو مطلوب به وظایف قانونی خویش قیام و از اتهام موکل دفاع به عمل آورند به نحوی که عنداللزوم و با توجه به اتهام واهی و بی‌اساس که از سوی شکات نسبت به وی وارد گردیده از این اتهام خلاصی جوید... آقایان مشتکی عنهما در پاسخ لایحه مطروح، طی لایحه وارده به شماره ۲۱۵۱- ۸۳/۲/۱۰ اظهار داشته‌اند: اینجانبان از اتهام علیه شوهر خانم... دفاع کرده‌ایم و در صفحه ۲ لایحه مذکور می‌گویند ایشان شخصاً از ورود ما به پرونده جلوگیری کرد مشتکی عنهما با وجود ارسال اخطاریه به دادسرا جهت اخذ توضیح نیز حضور نیافته‌اند و هیچ گونه مستندی دال بر اقدامات خود در پرونده کلاسه ۱۰۸۴/۲۴/۸۱ دادگاه عمومی کرج و پرونده کلاسه ۱۴۰۹ دادگاه ویژه کارکنان دولت نه در مرحله بدوی و نه در مرحله تجدیدنظر ارایه نداده‌اند و این در حالی است که در قرارداد حق‌الوکاله تصریح شده وکلا مکلفند از اتهام موکل دفاع نمایند به نحوی که با توجه به اتهام واهی و بی‌اساس که از سوی شکات نسبت به وی وارد گردیده از این اتهام خلاصی جوید که انشاء این عبارت خاصه با توجه به حجم جرایم معنونه علیه موکل (آقای...) از یکطرف و عدم اقدام به وظیفه وکالتی و تجدیدنظرخواهی از طرف دیگر می‌تواند مصداق بارز تحصیل وکالت به وسیله فریبنده باشد علیهذا بالحاظ مجموع مستندات پرونده و با توجه به سابقه محکومیت انتظامی قطعی مشارالیهما دادگاه تخلفات ارتكابی را با بند ۳ ماده ۸۰ و بند ۳ ماده ۸۱ و ۸۴ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون منطبق دانسته و هر دو آنان را که بنابه صراحت و امضاء ذیل لایحه تقدیمی به دادسرا و قرارداد متفقاً وکیل شکات بوده‌اند به محرومیت دائم از شغل وکالت موضوع بند ۶ ماده ۷۶ آیین‌نامه مارالذکر محکوم می‌نماید. با تجدیدنظر وکلا مشتکی عنهما از رأی پرونده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال و شعبه اول دادگاه عالی انتظامی در تاریخ ۸۲/۵/۲۱ پرونده را به کانون عودت و چنین اتخاذ تصمیم می‌نماید: نظر به اینکه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۶ - ۸۳/۲/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مجازات‌های موضوع بند ۵ و ۶ ماده ۷۶ آیین‌نامه مذکور ابطال و ملغی‌الاثراً گردیده تصور شد که در موارد یاد شده آیین‌نامه جدیدی تنظیم و به تصویب برسد و به لحاظ اینکه تاکنون این آیین‌نامه جدید متضمن مجازات تخلف انتظامی اعلامی وضع و به تصویب

نرسیده است بنابراین ضمن فسخ دادنامه‌های شماره ۲۱۶۲۰ - ۸۲/۹/۲۵ و ۱۸۸۷۴ - ۸۲/۸/۲۶ مورد اعتراض آقایان..... و..... پرونده جهت اقدام مقتضی به کانون مربوطه اعاده می‌شود. پس از اعاده پرونده به کانون وکلای دادگستری مرکز شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلا با صدور رأی شماره ۱۴۵۹۵ - ۸۳/۹/۱۵ آقایان..... و..... را با اصلاح ماده استنادی بند ۶ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۵۱ به محرومیت دائم از شغل وکالت محکوم می‌نماید با ابلاغ رأی به مشارالیهما طی لایحه‌ای که به شماره ۴۸۲۲ - ۸۳/۱۱/۲۱ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده به مفاد رأی مورد بحث اعتراض نموده و به استناد رضایتنامه‌های مأخوذه از خانم..... شاکیه انتظامی که اصل و فتوکپی آنها را ضمیمه لایحه اعتراضیه خود نموده است اعلام داشته‌اند که اعلام رضایت شاکیه انتظامی مبین عدم اغراض و سوءنیت آنان در موضوع مطروحه بوده و مسأله قابل ذکر در صدور رأی معترض عنه این است که علی‌رغم فسخ رأی صادره قبلی از ناحیه دادگاه عالی انتظامی قضات دادگاه بدون وقت رسیدگی وارد رسیدگی به تخلفات اعلامی گردیده و مجازات اشد قبلی را تأیید نموده است در حالی که اگر به رضایتنامه‌های شاکیه انتظامی توجه داشتند می‌توانستند موضوع ممنوعیت وکالت دائم را به چهار ماه ممنوعیت موقت تقلیل دهند و...

پس از ارسال لایحه اعتراضیه به کانون و وصول پاسخ آن دادگاه به شرح زیر رأی می‌دهد: هرچند به حکم معترض از حیث تشخیص تخلف انتسابی اشکالی وارد نیست و اعتراض متقاضیان تجدید نظر هم به ترتیبی نیست که خدشه و خللی به حکم وارد کند ولی با ملاحظه اعلام گذشت شکات انتظامی نظر به اینکه مجازات تعیین شده دایر بر محرومیت دائم تجدید نظرخواهان از شغل وکالت شدید به نظر می‌رسد لذا با نقض حکم محکومیت آقایان..... و..... وکلای مشتکی عنهما، هر یک از نامبردگان را با رعایت ماده ۸۳ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا با یک درجه تخفیف با استناد بند ۵ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ به تنزل یک درجه محکوم نماید این رأی قطعی است.

محکوم علیهما طی لایحه‌ای که در مورخ ۸۴/۱۰/۳ تسلیم هیأت تجدیدنظر انتظامی قضات کرده‌اند تقاضای اعاده دادرسی کرده و در لایحه خود اعلام داشته‌اند آرای دادگاه

انتظامی کانون وکلا و دادگاه عالی انتظامی قضات در استناد به قوانین و انطباق آن با تخلف صورت گرفته سازگاری ندارد و با مجازات مقرر که تنزل درجه از پایه یک به دو باشد مغایر است زیرا با گذشت شکات خصوصی می‌بایست با حداقل مجازات رای صادر می‌شد اما دادگاه انتظامی کانون وکلا پس از فسخ رای توسط دادگاه عالی انتظامی قضات به جای اینکه بر اساس قانون اقدام کند به رای اولیه اصرار کرده است و پس از بیان ایراد نسبت به موضوع دفاع کرده و مدعی هستند در انجام کار وکالتی هیچ مسامحه‌ای نکرده‌اند اما چون حکم صادره بر علیه موکل می‌باشد از روی غرض شکایت کرده‌اند.

پس از ارسال پرونده هیأت محترم تجدید نظر انتظامی قضات آن هیأت بدین شرح رای می‌دهد: نظر به اینکه دادگاه انتظامی کانون وکلا تخلف مشتکی عنهما را با بند ۳ ماده ۸۰ و بند ۳ ماده ۸۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا منطبق دانسته و مجازات انتظامی بند ۳ ماده ۸۰ درجه ۴ و مجازات بند ۳ ماده ۸۱ درجه ۵ است و چون دادگاه عالی انتظامی قضات با توجه به گذشت شکات مستنداً به ماده ۸۳ آیین نامه مجازات تعیین شده را یک درجه تخفیف داده است می‌بایست مجازات درجه ۵ را به مجازات درجه ۴ یعنی تنزل درجه را به ممنوعیت موقت به مدت سه ماه تقلیل می‌داد و چون چنین نشده است و...، اعاده دادرسی تجویز و پرونده برای رسیدگی به شعبه هم عرض محول می‌گردد.

پرونده کانون وکلا و مطالعات فرسنگی

رتال جامع علوم انسانی
رای دادگاه

اعتراض و اعاده دادرسی آقایان..... و..... محکوم علیهما انتظامی وارد می‌باشد چون به سبب گذشت شکایت استحقاق تخفیف را دارند ضمن آن که در کیفرخواست شماره ۶۱۲/۸۱-۸۲/۶/۴-۸۱ دادرسی انتظامی کانون وکلا دادگستری مرکز تاریخ قطعیت محکومیت سابق مشارالیهما و اینکه تخلف نظیر آن در مدت سه سال تحقق یافته مشخص نگردیده پس استناد به ماده ۸۴ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری وارد نمی‌باشد.

بنا به مراتب به استناد ماده ۸۳ آیین نامه مزبور مجازات مقرر در دادنامه شماره

۱۴۵۹۵-۸۳/۹/۱۵ شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز را تخفیفاً به ممنوعیت موقت ایشان از اشتغال به وکالت به مدت پنج ماه مبدل می‌نماید.

شماره دادنامه: ۱۵۵

تاریخ صدور رأی: ۸۶/۴/۳۱

شماره کلاسه دادرسی: ۲۸۳/۸۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول

شماره کلاسه دادگاه: ۳۵۰/۸۵

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاسه ۲۸۳/۵۸ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه: پرونده شکایت فرنگی
با توجه به شکایات شاکی، مستندات ارائه شده و کیفرخواست صادره از جانب دادسرای انتظامی مبنی بر اینکه مشتکی عنه در تهران محل غیر از آنچه که به موجب پروانه وکالت اجازه وکالت دارد مشغول به انجام وکالت می‌باشد و با توجه به تحقیقات انجام شده که مشخص شده است مشتکی عنه در محلی در تهران مشغول به کار است و کارت ویزیت نیز با آدرس مندرج در کارت چاپ و منتشر کرده است علیهذا تخلف انتظامی آقای..... وکیل دادگستری مطابق ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ مبنی بر تأسیس دفتر وکالت در غیر محل که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده است محرز و مسلم می‌باشد. انهایه با توجه به عدم سابقه انتظامی مشتکی عنه دادگاه با یک درجه تخفیف با استناد به بند ۲ ماده ۷۶ آیین‌نامه

لایحه استقلال کانون وکلا مشتکی عنه را محکوم به توییح با درج در پرونده محکوم می‌کند.

شماره دادنامه: ۱۱۹

تاریخ صدور رأی: ۸۵/۴/۶

شماره کلاسه دادرسی: ۷۱۱/۸۲

مرجع رسیدگی: شعبه دوم

شماره کلاسه دادگاه: ۱۳۶/۸۳

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاسه ۱۳۶/۸۳ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم داری و به شرح زیر میادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

در خصوص اعتراض خانم..... نسبت به قرار منع تعقیب شماره ۷۱۷/۸۲ مورخ ۸۳/۵/۱۲ دادرسی راجع به شکایت نامبرده علیه آقای..... وکیل پایه یک دادگستری مبنی بر اینکه وکیل مشتکی عنه در انجام امور وکالتی به وکالت از طرف همسرش آقای..... با وکالت معالواسطه آقای..... دارای اختیارات قانونی نبوده و موجبات تهدید، افترا و توهین به وی را فراهم نموده، و همین کیفرخواست شماره ۷۱۷/۸۲ و ۱۳۶/۸۳ مورخ ۸۴/۲/۲۷ دادرسی در خصوص عدم رعایت نظامات کانون از سوی وکیل مشتکی عنه در تنظیم وکالت نامه، نظر به اینکه اولاً شاکی علیه آقای..... وکیل مشتکی عنه در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک تهران شکایت جعل و استفاده از سند مجعول طرح نموده و متعاقب صدور کیفرخواست، به موجب حکم شماره ۱۱۷۱ مورخ ۸۴/۱۱/۱۷ پرونده کلاسه ۸۱/۱۰۴۰/۸۴ شعبه ۱۰۴۰ دادگاه عمومی تهران، ارتکاب جعل از سوی

آقای..... وکیل مشتکی عنه به دلیل اضافه کردن و الحاق عبارت «طرح هرگونه دعوی و شکواییه به منظور احقاق حق موکل» در ردیف اختیارات فرم شده در وکالت نامه ثبت شده به شماره ۳/۳۴۳۰ مورخ ۷۸/۱۱/۲۵ دفتر سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس و همچنین استفاده از سند مجعول در تنظیم وکالت نامه شماره ۸۲۲۶۳ از سری س ۷۷ جهت طرح دعوی، محرز تشخیص و به موجب مواد ۵۲۲- ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۵۳۲ و ۵۳۵ قانون مذکور به پرداخت مبلغ ده میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت از حیث بزه جعل و پانزده میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت به لحاظ استفاده از سند مجعول محکوم شده‌اند. ثانیاً شاکي در جلسه مورخ ۸۵/۴/۶ و با اعلام قطعیت یا متن دادنامه صادره از سوی شعبه ۱۰۴۰ دادگاه عمومی، تصویر دادنامه شماره ۱۵۱ مورخ ۸۵/۲/۲۶ شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مبنی بر تأیید رأی دادگاه بدوی را ارایه نموده است ثالثاً اظهارات وکیل مشتکی عنه در لوائح تقدیمی و جلسه مورخ ۸۵/۴/۶ دایر بر اینکه صرفاً با اذن موکل و اجازه وی طرح دعوی کرده و دادنامه‌های صادره مبنی بر محکومیت وی بر خلاف مقررات قانونی است، بلاوجه و غیر مؤثر می‌باشد بنابراین تجدیدنظر خانم..... نسبت به قرار منع تعقیب صادره از سوی دادسرا وارد تشخیص و ضمن نقض قرار منع تعقیب چون عمل آقای..... وکیل پایه یک دادگستری از مصادیق تخلف از قسم به نظر می‌رسد به استناد بند ۳ ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و بند ۴ ماده ۵۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به ممنوعیت موقت از شغل وکالت به مدت ۶ ماه محکوم می‌گردد و در مورد کیفر خواست شماره ۷۱۷/۸۲ و ۱۳۶/۸۳ مورخ ۸۴/۲/۲۷ دادسرا در خصوص عدم رعایت نظامات کانون از سوی آقای..... وکیل پایه یک دادگستری، نظر به اینکه ارتکاب تخلف مذکور از سوی وکیل مشتکی عنه در این خصوص نیز محرز به نظر می‌رسد به استناد ماده ۷۷ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای ناظر به بند ۲ ماده ۷۶ همان آیین‌نامه به توبیخ با درج در پرونده محکوم می‌شود.

شماره دادنامه: ۱۰۴

تاریخ صدور رأی: ۸۶/۳/۸

شماره کلاسه دادرسی: ۱۰۳/۸۵

مرجع رسیدگی: شعبه دوم

شماره کلاسه دادگاه:

در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۸ در وقت مقرر شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز با تصدی و حضور امضا کنندگان زیر تشکیل است. پرونده کلاسه دوم ۱۰۳/۸۵ موضوع گزارش کمیسیون نظارت و بازرسی کانون، راجع به آقای..... وکیل پایه یک دادگستری که منجر به صدور کیفرخواست شماره ۹۰۱/۸۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۸ گردیده، تحت نظر است. دادیار محترم انتظامی حضور دارند و اتخاذ تصمیم شایسته در تعیین مجازات انتظامی وفق کیفرخواست را درخواست می‌کنند. آقای وکیل مشتکی عنه علیرغم دعوت به عمل آمده و انتظار کافی در جلسه حاضر نمی‌باشند لیکن لایحه‌ای تقدیم داشته که تحت شماره ۳۲۰۸ مورخ ۸۶/۳/۷ در دفتر کانون ثبت گردیده، دادگاه با بررسی مجموع اوراق پرونده و مطالعه لایحه اخیر، ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

در خصوص گزارش کمیسیون نظارت و بازرسی کانون وکلا راجع به آقای..... وکیل پایه یک دادگستری دایر بر تمرکز امور وکالتی در خارج از محل اشتغال و تخلف از نظامات کانون (عدم درج شماره پروانه) که منجر به صدور کیفرخواست شماره ۹۰۱/۸۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۸ از سوی دادرسی گردیده، نظر به اینکه اولاً مشارالیه اقرار نموده، در محل اشتغال حضور نداشته، ثانیاً تصاویر وکالت نامه‌های مضبوط در پرونده، حاکی از تمرکز امور وکالتی وکیل مشتکی عنه در تهران و خارج از محل اشتغال بوده، ثالثاً ادعای معنونه نامبرده در لایحه اخیر (ثبت شده به شماره ۳۲۰۸ مورخ ۱۳۸۶/۳/۷ در دفتر کانون)، از جمله اینکه تمام امور وکالتی خارج از محل اشتغال مربوط به دوره

کارآموزی بوده، نادرست و بلاوجه می‌باشد، بنابراین ارتکاب تخلف انتظامی تمرکز امور وکالتی در خارج از محل اشتغال از سوی آقای..... وکیل پایه یک دادگستری محرز و به استناد ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت ناظر به بند ۳ ماده ۷۶ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می‌گردد و همچنین در مورد تخلف از نظامات (عدم درج شماره پروانه) نیز ارتکاب تخلف انتظامی، تخلف از نظامات، به دلایل مذکور در کیفرخواست و مدارک مضبوط در پرونده، محرز است لذا به استناد ماده ۷۷ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به بند ۲ ماده ۷۶ آیین نامه یاد شده به توییح با درج در پرونده محکوم می‌شود.

شماره دادنامه: ۱۴۶

تاریخ صدور: ۸۶/۴/۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه سوم

شعبه اول دادگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رای دادگاه:

در خصوص شکایت آقای..... از آقای..... وکیل پایه یک دادگستری مبنی بر اینکه وکیل مشتکی عنه علی‌رغم صدور پروانه ایشان جهت وکالت در قم، که به صدور قرار منع تعقیب مورخ ۸۵/۵/۳ از ناحیه دادیار محترم دادرسی انتظامی منتهی گردیده، با عنایت به اعتراض شاکی و با توجه به اینکه ملاحظه دفترچه ابطال تمبر مالیاتی از نظر دادگاه انتظامی لازم شمرده شده، نظر به اینکه مشاهده اوراق دفترچه مذکور (از صفحه ۹ به بعد) مؤید آن است که وکیل مشتکی عنه اکثر قریب به اتفاق ابطال تمبرهای خود را لغایت تاریخ ۸۵/۳/۲۷ (صفحه ۱۳) در تهران انجام داده، بنابراین با در نظر گرفتن تاریخ شکایت شاکی (۸۴/۱۰/۲۴) و اولین پاسخ مشتکی عنه (۸۴/۱۱/۲۹) - لایحه ثبت شده

